



Analysis of Gender Differences in Mental Images in Terms of Spatial Desirability in Urban Pedestrian Walkways

(Case Study: Tarbiat Pedestrian Street, Tabriz)

Bahram Mehri Gharabolya¹, Masoud Haghlesan^{*2}, Arash Saghafi Asl³
and Akbar Abdollahzadeh Taraf⁴

Received: 26/Dec/2024

Revised: 02/Mar/2025

Accepted: 14/May/2025

(PP.: 151-172)

Abstract

Introduction: In human–environment interaction, citizens’ perception of space plays a crucial role. When individuals enter an environment, they record various types of information about that space in their minds, gradually forming a clearer mental image of their surroundings. Research has shown that men’s and women’s mental images of the environment differ significantly. Considering these differences, the main focus of this study is to understand the relationship between men’s and women’s activities and how this affects future urban planning. The present research analyzes the differences in men’s and women’s mental images of spatial desirability in a pedestrian walkway. The aim is to examine these gender-based differences in the Tarbiat Pedestrian Street of Tabriz to establish a theoretical framework for analyzing how men and women perceive the desirability of this urban space.

Method: This research adopts a mixed-method approach, combining quantitative and qualitative techniques to investigate the Tarbiat Pedestrian Street in Tabriz. In the quantitative phase, data were collected through a questionnaire, while the qualitative phase relied on field observation. The statistical population included 20,000 pedestrians and residents within the study area. Using Cochran’s formula with a 5% margin of error, a sample of 380 participants (190 men and 190 women) was selected for analysis.

Results and Discussion: Findings revealed significant gender differences in the evaluation of spatial desirability indicators. According to men, the most desirable criteria were accessibility (mean rank = 9.45), identity (8.65), and awareness (7.71). In contrast, women prioritized safety (9.89), accessibility (8.75), and identity (7.62).

Conclusion: The results suggest that significant gender-based differences in evaluating spatial indicators stem from distinct experiences and needs of each group. These findings underscore the importance of considering gender perspectives in the analysis and assessment of urban space quality. Understanding such differences can inform policies and planning strategies aimed at improving quality of life and addressing the specific needs of both genders.

Keywords: Mental image, Urban spaces, Pedestrian walkways, Cultural approach.

¹Ph.D. Student, Department of Architecture & Urban Design, Ta.C., Islamic Azad Uni., Tabriz, Iran

²Assistant Prof. Department of Architecture & Urban Planning, Ilk.C., Islamic Azad Uni., Ilkhchi, Iran, (Corresponding Author)ma.haghlesan@iau.ac.ir

³Associate Prof. Department of Architecture & Urban Planning, Ta.C., Islamic Azad Uni., Tabriz, Iran.

⁴Assistant Prof. Department of Architecture & Urban Planning, Ta.C., Islamic Azad Uni., Tabriz, Iran.

تحلیل تفاوت‌های تصاویر ذهنی زنان و مردان از منظر مطلوبیت فضا در پیاده‌راه‌های شهری

(موردپژوهی: پیاده‌راه تربیت تبریز)

بهرام مهری قاراب علیا¹، مسعود حق‌لسان^{2*}، آرش ثقفی اصل³ و اکبر عبدالله‌زاده طرف⁴

تاریخ پذیرش: 1404/اردیبهشت/24	تاریخ بازنگری: 1403/اسفند/12	تاریخ دریافت: 1403/دی/06
(صفحات 151-172)		

چکیده

مقدمه: در تعامل میان انسان و محیط، درک فضا توسط شهروندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. افراد وقتی در یک محیط قرار می‌گیرند، اطلاعات مختلفی را درباره آن فضا در ذهن خود ثبت می‌کنند که به تدریج تصویر واضح‌تری از محیط اطراف را در ذهن آنان شکل می‌دهد. بر اساس پژوهش‌ها تصاویر ذهنی مردان و زنان از محیط به طور قابل توجهی با هم متفاوت است. با توجه به این تفاوت‌ها تمرکز اصلی بر درک ارتباط بین فعالیت‌های مردان و زنان و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی‌های آینده است. در این پژوهش ابتدا تفاوت‌های تصویر ذهنی مردان و زنان از منظر مطلوبیت فضا در پیاده‌راه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل تفاوت‌های تصویر ذهنی زنان و مردان در پیاده‌راه تربیت تبریز از منظر مطلوبیت فضا است تا با بررسی رویکردها و مبانی نظری تصویر ذهنی چارچوبی را ایجاد کند که با آن تفاوت‌های تصویر ذهنی زنان و مردان در پیاده‌راه تربیت در شهر تبریز از نظر مطلوبیت فضا تحلیل شود.

روش تحقیق: این پژوهش باهدف کاربردی و رویکردی ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی، به بررسی پیاده‌راه تربیت تبریز می‌پردازد. در بخش کمی، داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری می‌شوند، درحالی‌که در بخش کیفی، از روش مشاهده میدانی استفاده خواهد شد. جامعه آماری این مطالعه شامل 2000 نفر از عابران و شهروندان حاضر در محدوده پیاده‌راه تربیت تبریز است. با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای 5٪، حجم نمونه مورد مطالعه شامل 380 نفر از مشارکت‌کنندگان (190 مرد و 190 زن) انتخاب شده است.

نتایج و بحث: نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان‌دهنده تفاوت‌های معناداری در ارزیابی شاخص‌ها توسط مردان و زنان است. بر اساس نظر مردان، شاخص‌هایی نظیر دسترسی با میانگین رتبه (9.45)، هویت (8.65) و آگاهی (7.71) به ترتیب به عنوان مطلوب‌ترین معیارها شناخته شدند. این در حالی است که زنان، در ارزیابی خود، به شاخص‌های ایمنی با میانگین رتبه (9.89)، دسترسی (8.75) و هویت (7.62) به ترتیب اولویت بیشتری داده‌اند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج پژوهش تفاوت‌های معنادار در ارزیابی شاخص‌ها توسط مردان و زنان می‌تواند ناشی از تجارب و نیازهای متفاوت هر گروه باشد و به‌خوبی نشان‌دهنده اهمیت توجه به دیدگاه‌های جنسیتی در تحلیل و ارزیابی شاخص‌های مختلف است؛ بنابراین، درک این تفاوت‌ها می‌تواند به پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های بهبود کیفیت زندگی برای هر دو جنس کمک کند و نیازهای خاص هر گروه را مورد توجه قرار دهد.

واژگان کلیدی: تصاویر ذهنی، فضاهای شهری، پیاده‌راه‌ها، رویکرد فرهنگی.

¹دانشجوی دکتری، طراحی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

²استادیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد ایلخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلخچی، ایران، (نویسنده مسئول)

Ma.Haghlesan@iau.ac.ir

³دانشیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

⁴استادیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

1- مقدمه

در جوامع امروزی، مردم در اماکنی زندگی می‌کنند که نظم بصری در آن کمتر مورد اهمیت است. شهروندان به دودسته تقسیم شده‌اند دسته اول پذیرای این موضوع شده‌اند و دسته دوم بدون توجه به این امر از اماکن می‌گذرند. محیط‌هایی که دارای نظم - طبیعی یا هندسی - هستند احساس رضایت و حضورپذیری دوباره به آن اماکن را فراهم می‌کنند؛ ولی این احساسات را باید در اماکنی که بی‌نظمند، جستجو کرد. فرهنگ و افراد می‌توانند به‌خاطر تجارب ویژه‌ای که از محیط خود داشته‌اند، دارای تصاویر ذهنی متفاوتی باشند؛ اما پژوهش‌ها ثابت کرده‌اند که رویه‌های نهفته در ارزیابی محیط و عناصر موجود در آن دارای اشتراکات بسیاری است. تصاویر ذهنی افراد تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد، از جمله ویژگی‌های زیست‌شناختی، شخصیتی، و همچنین عوامل فرهنگی و اجتماعی. این عوامل درونی و بیرونی، درک و تفسیر از محیط اطراف را شکل می‌دهند. محیط پیرامون متغیرهای متعددی دارد، و افراد با توجه به شرایط درونی و محیطی خود، برخی از این متغیرها را نادیده می‌گیرند و بر برخی دیگر متمرکزند. در این فرایند، ارزیابی‌های ذهنی صورت می‌گیرد که شامل فعالیت‌های شناختی و احساسات است. این ارزیابی‌ها کمک می‌کند تا جنبه‌های رضایت‌بخش و قابل‌توجه محیط شناسایی شود. به‌عنوان مثال، ساکنان یک شهر با داشتن تصویری ذهنی دقیق و ارزیابانه، می‌توانند جنبه‌های جذاب و به‌یادماندنی محیط شهری را درک کنند.

انسان‌شناسی یکی از نخستین رشته‌هایی است که به ارتباط میان فرهنگ و فضا و تأثیرات روابط قدرت بر آن می‌پردازد. در کارهای انسان‌شناسان فمینیست، بحث پیرامون قلمروهای «عمومی» و «خصوصی»، شبکه‌های روابط صمیمی و ارتباطات اجتماعی مبادله به چشم می‌خورد که انتقاداتی مطرح شده از جانب فمینیسم است. به طور خاص کسانی هم به محدودیت‌های فضایی پرداخته‌اند که بیشتر شهرسازان و تاریخ‌شناسانند. شرلی آردن¹ به طور خاص بر اهمیت

مطالعات توسعه‌ای که به آزمون تفاوت فضاهای مردانه و زنانه به لحاظ تخصیص فرهنگی می‌پردازد، تأکید دارد و به طور خاص جنبه‌های نمادین، نگهدارنده و تقویت‌کننده ارتباطات فرهنگی را حول فضا تبیین می‌سازد. اخیراً توجه خاصی به ارتباط میان فضا و فرهنگ از طریق قدرت مبذول گشته است، این‌ها شامل نحوه تأثیر روابط قدرت بر فضای مصنوع است که با بحث دفنی اسپاین² حول نحوه شکل‌گیری جایگاه اجتماعی زنان تعریف شده و دیگر فضاهای اجتماعی را شکل داده است (Rendell et al., 2000). برقراری ارتباط میان فضاهای مورد استفاده زنان و ارتباطات منزلت اجتماعی ایشان به کار جغرافی‌دانان فمینیستی چون لیز بوندی، دورن ماسی، لیندا مک داول و گیلیان رز منوط می‌شود، کسانی که فضا را محصول ارتباطات فرهنگی برمی‌شمرند. این افراد فمینیست بحث می‌کنند که اگر فرهنگ تفاوتی برای جامعه‌ای که افراد در آن زندگی می‌کنند، پدید آورد، بر نحوه رفتار آنها مؤثر باشد و بر تفکرشان سایه افکند، این شرایط بایستی تحت سیطره آثار اجتماعی بر فضاهایی که پدید می‌آورند و از آن استفاده می‌کنند، ملاحظه شود. دورن ماسی³ از نقطه‌نظر تجربه و توصیف زندگی روزمره به تبیین ابعاد فضایی ارتباطات فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با شیوه‌های شکل‌گیری فضا پرداخت. جغرافی‌دانانی چون ماسی و رز انتقادات مهمی از کارهای جغرافی‌دانان مرد؛ مانند هاروی و سوژا در فضای پست‌مدرن با بحث پیرامون نادیده‌انگاشتن ابعاد فرهنگی بر ساختار فضا و جامعه، صورت داده‌اند. شاید پرنفوذترین نظریه‌پرداز فرهنگی رزالین داتسج⁴ باشد که در بستر فکری جغرافی‌دانان پست‌مدرن مانند فردریک جیمسون بدان هجوم برده است و در متن خویش به تحلیل شیوه‌های مختلف عمل موضوعات فرهنگی پرداخته، بنابراین کار خود را متمایز ساخته و در آن بستر به‌خوبی جاافتاده است (Etemad, 2012). هدف از انجام این پژوهش تحلیل تفاوت‌های تصاویر ذهنی زنان و مردان در پیاده‌راه تربیت تبریز با توجه‌کردن به ابعاد فرهنگی فضا است. به نظر می‌رسد از موضوع تفاوت تصویر ذهنی زنان و مردان در پیاده‌راه تربیت تبریز

غفلت شده است و فرهنگ به‌عنوان مهم‌ترین رکن اصلی تأثیرگذار در استفاده از فضای پیاده‌راه تربیت تبریز به فراموشی سپرده شده است. در راستای رسیدن به هدف مذکور پرسش اصلی بدین شکل مطرح می‌شود؛ تصاویر ذهنی زنان و مردان از منظر مطلوبیت فضا در پیاده‌راه‌های شهری چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

1-1- پیشینه تحقیق

تحلیل تفاوت‌های تصاویر ذهنی زنان و مردان از منظر مطلوبیت فضا در پیاده‌راه‌های شهری، موضوعی است که به بررسی انتظارات و نیازهای مختلف این دو گروه در طراحی و استفاده از فضاهای عمومی می‌پردازد. پیاده‌راه‌ها به‌عنوان نقاط تجمع و تردد افراد، نقش مهمی در شکل‌دهی به تجربه شهری دارند و زنان و مردان به دلایل مختلف از جمله ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی، ممکن است دیدگاه‌ها و احساسات متفاوتی نسبت به این فضاها داشته باشند. این تفاوت‌ها می‌تواند بر اساس عواملی مانند ایمنی، دسترسی، امکانات رفاهی و زیبایی‌شناسی فضا شکل بگیرد. به‌عنوان مثال، زنان ممکن است بیشتر به امنیت و احساس راحتی در فضاهای عمومی توجه کنند، درحالی‌که مردان ممکن است بر جنبه‌های عملکردی و کارایی محیط تأکید بیشتری داشته باشند. در مطالعه موردی پیاده‌راه تربیت تبریز، با تمرکز بر این تفاوت‌ها می‌توان به درک بهتری از نحوه طراحی فضاهای عمومی دست‌یافت که پاسخ‌گوی نیازهای هر دو گروه باشد. در نتیجه، این پژوهش می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری و افزایش تعاملات اجتماعی کمک کند و از این راه، به ارتقای محیط‌های شهری مطلوب برای تمامی ساکنان و کاربران فضاهای عمومی منجر شود. شناخت این تفاوت‌ها نه تنها به طراحان و برنامه‌ریزان شهری کمک می‌کند، بلکه به ساکنان و کاربران نیز این امکان را می‌دهد که در ایجاد فضایی مناسب و کارآمد مشارکت داشته باشند. در این راستا تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع پژوهش در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اویاما، (2024) در پژوهشی تحت عنوان «تصاویر شهری فضایی و عوامل شکل‌دهنده آن: تحلیل شناخت محله‌ای خیابان محور» به تحلیل عوامل شکل‌دهنده تصاویر فضایی دو محله شهری می‌پردازد. نقشه‌های شناختی از ساکنان و بازدیدکنندگان گردآوری شد که حوزه‌های فضایی را همان‌طور که با نام محلات تصور می‌شد، به تصویر می‌کشید. این پژوهش با استفاده از قطعات خیابانی به‌عنوان واحدهای تحلیل فضایی، عوامل مؤثر بر ادراک افراد را از خیابان‌ها تحلیل می‌کند. آرانا و همکاران (2020)، در پژوهش «پیاده‌روی شهری با توجه به درک عابران پیاده از محیط ساخته شده یک بررسی ده‌ساله و یک مطالعه موردی در یک شهر میانی در آمریکای لاتین» در شهرهای آمریکای لاتین، امنیت ذهنی و ایمنی ترافیک، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر قابلیت پیاده‌محوری شهرهاست که متفاوت از شهرهای کشورهای توسعه‌یافته که پیاده‌راه‌ها بیشتر مبتنی بر جذابیت محیطی بوده است. طراحی فضاهای شهری و به ویژه فضاهای پیاده‌راهی برحسب ادراک شهروندان همواره موردتوجه جدی پژوهشگران است و به علت گسترده بودن موضوع هنوز هم مطالعات متعددی در حال انجام است. ماریانا ویمر و دیگران (2016) در مقاله خود با عنوان «فرم نقشه‌های ذهنی بازدیدکنندگان» در پژوهشی که در زمینه پایش ذهنی انجام شده، تأکید شده است که توجه افراد بیشتر به قسمت‌های ابتدایی و انتهایی مسیرها معطوف می‌شود. پژوهشگران با استفاده از اسکن مغزی، تصاویر ذهنی بزرگسالان را مورد بررسی قرار دادند. آنها به این منظور، نقشه‌هایی از یک جزیره تخیلی با نشانه‌های مختلف و دو علامت همراه‌کننده را به شرکت‌کنندگان ارائه دادند و فعالیت‌های مغزی آنها را ثبت کردند. این مطالعه نشان می‌دهد که نحوه پردازش اطلاعات و توجه در ذهن انسان به شکل قابل توجهی تحت تأثیر موقعیت مکانی و نوع نشانه‌ها قرار دارد. با تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، می‌توان به درک بهتری از چگونگی تعامل انسان با محیط و تأثیرات آن بر شناخت و یادآوری رسید. نتایج نشان می‌دهد، نقاط همراه‌کننده که در بالا و پایین تصویر بود، بازدیدکنندگان تحت تأثیر

انتها جایی برای رفتن دارد، این تبدیل عملکردها، بسیار موفق بوده است. یکی از اهداف مسیر ارتقای تصاویر ذهنی منطقه یا تصویر شخصی گروهی از مردم با جلب توجه به اماکن تاریخی - اجتماعی است که شاید اهمیت آن مشخص نباشد. بحرینی (1385) در کتاب «فرایند طراحی شهری» وقتی طراحان شهری از رابطه بین مردم و محیط صحبت می‌کنند، به معنای ادراک از محیط است که عمدتاً مربوط به شناخت محیط و سپس درک آن توسط مردم است. شهروندان انسان‌ها در هر زمان و مکانی فقط برخی از اطلاعات محیط خود را در ذهن خود ثبت می‌کنند. با این حال، این اطلاعات محدود، تصویری کامل و جامع از محیط اطراف ارائه می‌کند، البته نادقیق و غیر واقعی. در هر تجربه انسانی، او عمدتاً به تجارب قبلی وابسته است که اطلاعات در ذهن ذخیره می‌شود تا تصاویر ذهنی محیط او را تکمیل و پر کند. اطلاعات جدید اطلاعات ذخیره شده قبلی را فراخوانی می‌کند و تصاویر ذهنی مورد نظر را ایجاد می‌کند؛ بنابراین مشاهده محیط به معنای ایجاد تصاویر ذهنی بر اساس تجارب و مشاهدات گذشته است. رضویان و همکاران (1403) در مقاله «بررسی مؤلفه‌های سازنده تصویر ذهنی شهروندان از اماکن شهری با تأکید بر رویکردهای پدیدارشناسی و روان‌شناسی محیطی مورد پژوهی: مقایسه تطبیقی مناطق 1 و 18 شهر تهران»: فضای شهری مکانی است که شهروندان در حوزه عمومی شهر حضور دارند. این فضاها باید دارای شرایطی باشد که فرد بتواند در آنها تجربه زیسته را بامعنی و مفهوم زندگی پیوند و تصاویر ذهنی از فضاهای شهری درگیری معناداری از زندگی را تولید نماید؛ در صورتی که تجارب زیسته انسان در ارتباط با اماکن توأم با بسترهای روانی از معنی و مفهوم زندگی نباشد، تصاویر شکل گرفته در چارچوب نقشه‌های ذهنی سراسر اغتشاش و فاقد مفاهیم و معانی زندگی خواهد بود. صارمی و همکاران (1402)، در مقاله «بررسی قابلیت پیاده‌مداری در افزایش حضورپذیری شهروندان با استفاده از رویکرد چیدمان فضا در محلات شهری مطالعه موردی: محله استادسرا» در گذشته شهرها عابرین پیاده داشتند؛ اما امروزه کمبود پیاده‌

قرار داد و در واقع بازدیدکنندگان نیز به نقاط ابتدایی و انتهایی مسیر توجه داشتند. عبدالهی و همکاران (1392)، در مقاله «تأثیر نماهای بناهای تاریخی بر تصویر ذهنی شهروندان شهر تبریز» عناصر اصلی بصری، رنگ و سبک معماری تأثیر زیادی بر وضعیت روحی شهروندان دارد. کاکاوند و همکاران (1392)، در پژوهش «سنجش تطبیقی تصویر ذهنی شهروند و شهرساز به مفهوم کیفیت محیط شهری در قزوین» شهروندان عمدتاً اصلی‌ترین چالش‌ها را در زمینه وضعیت اقتصادی و نحوه مدیریت شهری مشاهده می‌کنند. در همین راستا، شهرسازان نیز بر این باورند که مسائل مربوط به ابعاد کالبدی و مدیریتی شهرها از اهمیت بالایی برخوردار است. این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده نارضایتی عمومی از شرایط اقتصادی و همچنین نیاز به بهبود در شیوه‌های مدیریتی است. به علاوه، توجه به ساختارهای کالبدی شهر و برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه آنها، از جمله نکات کلیدی است که باید در سیاست‌گذاری‌های شهری مد نظر قرار گیرد. این نگرانی‌ها می‌تواند به عنوان یک زنگ خطر برای مسئولان تلقی شود تا اقدامات مؤثرتری برای رفع مشکلات موجود انجام دهند و به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کنند. راب کریر (1972)، فضای شهری را «فضای خارجی» می‌داند، تمام انواع فضای میان ساختمان‌ها در شهرها و دیگر اماکن. این فضا کاملاً فیزیکی است و به شکل هندسی، نماهای متنوعی احاطه‌اش می‌کنند. ژو یو و همکاران برای اندازه‌گیری کیفیت فضای باز عمومی، عنوان نمود از میان چهار شاخص، فعالیت کیفیت محیطی، امکانات رفاهی و ایمنی، شاخص‌های فعالیت و کیفیت محیطی ارتباط بیشتری با سلامت روان دارند (Zhu et al., 2021). لنگ (1393) در کتاب «طراحی شهری گونه‌شناسی، رویه‌ها و طرح‌ها»: در بسیاری از شهرهای جهان، جاده‌های اصلی به روی ترافیک بسته شده و به خیابان‌های عابر پیاده تبدیل می‌شوند. هدف این است که زندگی برای رهگذران بهتر و در نتیجه تجربه خرید را برای آنها لذت‌بخش شود و در نهایت وضعیت اقتصادی فروشگاه را بهبود داد. در جاهایی که خیابان باریک است و در دو

روستاها و کاهش تحرک، کاهش امنیت، ایمنی و هماهنگی، مشکلات زیست‌محیطی، بهداشت عمومی، عدم آگاهی از شهرها، مناطق و آسیب به کیفیت طبیعت را به همراه داشته است. موضوع بازگشت و نزدیک‌شدن مجدد به انرژی مناطق شهری از خواسته‌های اجتناب‌ناپذیر عابران پیاده است. باقری و همکاران (1402)، در مقاله «بررسی چگونگی تأثیر کیفیت درگیری با فضا بر میزان حضورپذیری در فضاهای عمومی شهری (موردکاوی: بازارهای سنتی کلان‌شهر شیراز)» افراد ارتباطات متفاوتی با فضا به صورت فعال و غیر فعال برقرار می‌کنند که می‌تواند آنها را با فضا درگیر و زندگی متنوع و پرجنب و جوشی در آن فضا ایجاد کنند و در نتیجه تأثیر به سزایی در افزایش حضورپذیری در آن فضا داشته باشند. شجاعی و همکاران (1401)، در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی تطبیقی سلسله‌مراتب تصویر ذهنی مردان و زنان از فضاهای شهری، مورد منطقه 8 تبریز» تصاویر ذهنی مردان در مقایسه با زنان از کلیت بیشتری برخوردار است و در مقابل زنان بیشتر با جزئیات تصویر ذهنی خود را شکل می‌دهند. میجانی و همکاران (1401)، در پژوهش «عوامل تأثیرگذار در ثبت تصاویر ذهنی از مکان» عوامل تأثیرگذار در ثبت تصاویر ذهنی مکان از دو عامل تشکیل می‌شوند که عوامل داخلی ایجاد شده در فرد، نظیر ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت و توانایی‌ها و استراتژی‌ها و عوامل خارجی نظیر ویژگی‌های محیط، دسترسی بصری، چیدمان فضایی هستند. بلالی اسکویی و همکاران (1399) در مقاله «بررسی عناصر شکل‌دهنده هویت کالبدی بر اساس نقشه‌های شناختی شهروندان، مورد مطالعاتی: محله دوجی تبریز» آنها از نقشه‌های ادراک شهروندان برای نتیجه‌گیری در مورد شباهت درک شده و تأثیر آن بر هویت فیزیکی منطقه استفاده کردند. همچنین تأثیر عناصر نقشه ادراکی را بر هویت فیزیکی منطقه نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، با توجه به پژوهش‌های انجام شده و مرتبط با پژوهش حاضر، می‌توان تفاوت‌های تصویر ذهنی زنان و مردان در پیاده‌راه تربیت تبریز با مطلوبیت فضا را در سه دسته

کلی مطالعات مرتبط با تصاویر ذهنی، فرهنگ و مطلوبیت فضای شهری دسته‌بندی نمود و مشخص می‌شود که بیشتر تحقیقات انجام شده در راستای موضوعات مشابهی که در این پژوهش بررسی می‌شود، قرار دارند. با این حال، در نحوه تمرکز بر موضوعاتی مانند ارتباط تصویر ذهنی پیاده‌مداری و عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضای شهری، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها می‌تواند به ما کمک کند تا از تجارب و نتایج این تحقیقات برای پیشبرد اهداف این پژوهش بهره‌برداری کرد. به عبارت دیگر، با تحلیل و تطابق نتایج قبلی، می‌توان نقاط قوت و ضعف را شناسایی کرده و به بهبود فضای شهری و تجربه پیاده‌مداری پرداخت. این امر می‌تواند به درک بهتری از نیازها و خواسته‌های شهروندان منجر شود و در نهایت به ارتقا کیفیت زندگی در شهرها کمک کند.

2-1- چارچوب نظری

1-2-1- تصویر ذهنی

اصطلاح «تصویر ذهنی» نخستین بار و به طور گسترده پس از انتشار کتاب منظر شهری اثر کوین لینچ مطرح شد. آثار لینچ و نتایجی که او در قالب پنج عنصر هنر شهری ذکر می‌کند، قبلاً توسط فیلسوف آلمانی «لوین» در نظریه منطقه‌ای او بوده است. در این فرایند، لوین می‌گوید که مردم محیط خود را به عنوان یک مرز در نظر می‌گیرند. لینچ این دیدگاه را در سه شهر آمریکا آزمایش کرد و به این نتیجه رسید که تصاویر ذهنی شهروندان از شهرهایشان به صورت مجموعه‌ای از محلات، بخش‌ها، نشانه‌ها، لبه‌ها و جاده‌ها ذخیره می‌شود که این عناصر را به هم متصل می‌کنند. لینچ تصویر شهر را مایه آرامش شهروندان می‌داند. اما وی خاطرنشان می‌کند که در تحلیل این تصویر نباید نقش اجتماعی یک جامعه را نادیده گرفت. محیطی که نام آن در بسیاری از زبان‌ها ذکر شده و برای همه آشناست، به افراد اجازه می‌دهد تا خاطرات و نمادهای مشترک ایجاد کنند. این به دلیل ارتباط آنها است و باعث می‌شود ارتباطات آنها کار کند. یک محیط خاص فضای وسیع‌تری را برای تداوم و حفظ اندیشه‌های

نه تنها به یک تصویر بصری از یک موقعیت خاص اشاره دارد، بلکه مجموعه‌ای از اطلاعات حسی از جمله دیداری، شنیداری و بویایی را نیز در بر می‌گیرد. هنگامی که یک فضا به طور مکرر مشاهده می‌شود یا آشناست، این تصاویر به صورت یک فیلم در ذهن بیننده نقش می‌بندد. با این قابلیت ذهنی، فرد می‌تواند از محیط‌هایی که قبلاً تجربه کرده است، خاطراتی بسازد و تصاویری همراه با صدا و حتی حواس مربوط به لامسه و چشایی را در ذهن خود حفظ کند. در صورت نیاز، او می‌تواند بخشی از این خاطرات را انتخاب کرده و به آن بپردازد. به این ترتیب، تصویر ذهنی نه تنها یک نمای ساده از یک مکان، بلکه یک تجربه عمیق و چندبعدی درک از جهان پیرامون است (Didehban, 2020).

2-1- پیاده راه

حرکت پیاده طبیعی‌ترین، قدیمی‌ترین و ضروری‌ترین شکل جابه‌جایی انسان در محیط است و پیاده‌روی هنوز مهم‌ترین امکان برای مشاهده اماکن، فعالیت‌ها و احساس شور و تحرک زندگی و کشف ارزش‌ها و جاذبه‌های نهفته در محیط است. پیاده‌روی دارای اهمیت اساسی در ادراک هویت فضایی احساس تعلق به محیط و دریافت کیفیت‌های محیطی است (Farajzadeh, et al., 2021). به‌طور کلی می‌توان حرکت پیاده را به هفت فعالیت مختلف تقسیم کرد که عبارت‌اند از: قدم زدن، ایستادن، نشستن، دراز کشیدن، دویدن، بازی کردن و تماشا کردن محسوب می‌شود (Nag et al., 2019). از بین انواع فضاهای شهری پیاده راه یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی در شهرهاست. این مهم زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند که توسعه بی‌رویه کالبد شهری افزایش وسایل نقلیه عمومی و خصوصی و زوال محیط‌زیست آثار زیان‌باری بر ساختار شهر به بار آورده (Anari et al., 2019) و در نتیجه سلامت جسمی و روانی شهروندان را با تهدیداتی مواجه کرده است. این روند موجب طردشدگی عابر پیاده در فضای شهری شده است. اپلیارد اظهار می‌دارد که نباید کاری کرد مردم به دلیل ناراحتی‌های ناشی از ترافیک خود را از صحنه خیابان‌ها

بشری و تاریخ مشترک فراهم می‌کند (Lynch, 1976). در واقع، همان‌طور که خود لینچ اشاره می‌کند، او به نقش فرم شهری در این بازنمایی شهر در ذهن شهروندان می‌پردازد. او اضافه می‌کند که ایجاد تصویری از محیط یک جریان دوطرفه بین ناظر و صحنه‌ای است که مشاهده می‌کند. تصویر هر محیطی نه تنها نتیجه تأثیر مظاهر بیرونی آن محیط بر ذهن ناظر است، بلکه تخیل ناظر نیز در ایجاد آن نقش مؤثری دارد. لینچ در قسمت دوم کتاب خود اشاره می‌کند که یکی از ویژگی‌های مهم تصویر ذهنی خواننده این است که به جهت‌گیری آسان در شهر کمک می‌کند. او خاطرنشان می‌کند که این تصویر ذهنی به شدت بر رفتار مردم در شهرها تأثیر می‌گذارد. از این نظر، «مؤثرترین نقش یک تصویر روشن از محیط در ذهن یک فرد این است که او را قادر سازد تا خود را در شهر دنبال کند». این سؤال نقش تصویرسازی ذهنی را در الگوهای سفر شهری نشان می‌دهد.

هر شهر علاوه بر مناظر طبیعی و عینی خود دارای بعدی است که به آن منظر ذهنی گفته می‌شود. منظری که مبتنی بر تصویر یا انگاره کلی شهر است. منظر ذهنی شهر ساختاری برای اندیشیدن به شهر است و به کیفیتی اشاره می‌کند که حاصل ترکیب چشم‌انداز فیزیکی شهر، ادراک دیداری و فرهنگی ساکنان آن بوده و می‌تواند از آن به چشم‌انداز ذهن تعبیر نمود (Goodalewisalsks, 2015).

تصویر ذهنی به معنای بازنمایی یک پدیده در غیاب آن است. افراد به طور طبیعی اطلاعات زیادی را به صورت تصویری در ذهن خود ذخیره می‌کنند، زیرا این اطلاعات به شکل بصری به یادشان می‌آید. به عبارت دیگر، تصویر ذهنی شامل مجموعه‌ای از تصاویری است که از ظاهر، عملکرد و معنای یک فضا در ذهن شکل می‌گیرد. اگرچه این تصویر به صورت بصری تعریف می‌شود، اما به اطلاعات بصری محدود نمی‌شود و شامل ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی پدیده‌ها و اماکن اطراف نیز هست. علاوه بر این، تصاویر ذهنی شامل معانی و احساساتی هستند که با یادآوری یک پدیده خاص در ذهن تداعی می‌شوند. این تداعی

خارج سازند، همچنین وی معتقد است که محیط خیابان باید حاوی فضاهایی باشد که مردم بتوانند در آن‌ها بنشینند و گفتگو و بازی کنند. بدین ترتیب، در دو دهه گذشته در مطالعات پویایی شهری توجه بیشتری به بحث پیاده‌روی شده است (Farajzadeh, 2021).

3-2-1- طبیعت «مردانه و زنانه» فضاهای عمومی و خصوصی

زنان در دوران قرون وسطی در اروپا عمدتاً در زمینه‌های کشاورزی در روستاها و همچنین در بازارهای محلی مشغول به کار بودند. سایر فرصت‌های شغلی برای آن‌ها به‌ندرت فراهم می‌شد و چنانچه کار در خارج از منزل امکان‌پذیر نبود، مسئولیت‌های خانه‌داری و تربیت فرزندان بر عهده آن‌ها قرار می‌گرفت. با وقوع انقلاب صنعتی، جدایی‌های فضایی میان مردان و زنان تشدید شد و این مسأله به‌وضوح در زندگی روزمره افراد تأثیر گذاشت. لیندا مک داول اشاره می‌کند که در طول سالها، مطالعات شهری به‌ویژه در زمینه فرهنگ و تغییرات اجتماعی ناشی از رشد سریع شهرنشینی در دوران انقلاب صنعتی، به طور قابل‌توجهی نادیده گرفته شده‌اند. این غفلت از ابعاد فرهنگی در تحلیل وضعیت زنان و تأثیرات اجتماعی ناشی از صنعتی‌شدن، نشان‌دهنده نیاز به بررسی دقیق‌تر و جامع‌تر این موضوعات است. در واقع، زنان نه‌تنها در عرصه‌های اقتصادی، بلکه در تغییرات فرهنگی و اجتماعی ناشی از تحولات عصر مدرن نیز نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند. فضاهای صنعتی در شهرها که برای زنان ناامن به شمار می‌روند، ریشه‌های تاریخی خود را به دوران ویکتوریایی بازمی‌گردانند. در آن زمان، جدایی میان فضاهای عمومی و خصوصی به طور واضحی حس می‌شد. این جدایی موجب شد که زنان به محیط‌های خصوصی خانه محدود شوند، درحالی‌که مردان به‌راحتی می‌توانستند در فضاهای عمومی حرکت کرده و به فعالیت‌های شغلی و تفریحی خود بپردازند. این وضعیت نه‌تنها به نابرابری‌های اجتماعی دامن زد، بلکه احساس ناامنی در فضاهای عمومی را برای زنان تشدید کرد. در واقع، این الگوهای رفتاری و فضایی هنوز هم در جوامع مدرن تأثیرگذار هستند و نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در طراحی فضاهای شهری به‌گونه‌ای است که امنیت و رفاه

تمامی افراد، به‌ویژه زنان، را در نظر بگیرد (Peake, 2009).

دانی اسپاین در کتاب مشهور خود با عنوان «فضاهای فرهنگی»، به طور خاص در مورد تفاوت‌های بین محیط‌های دوستدار زن و مرد و همچنین مؤسسات تحت سلطه مردان صحبت می‌کند (Spain, 1992). آن‌ها به طور خاص نهادهای فضایی خانواده یا سیستم آموزشی و نیروی کار را موردبررسی قرار دادند که موقعیت‌های مختلفی از جمله سکونت، تحصیل و محل کار را پوشش می‌داد. در هر یک از این زمینه‌ها، اسپاین ترتیبات اجتماعی اماکنی را که مردان را جذب می‌کرد و زنان را دفع می‌کرد، بررسی کرد. او همچنین توجه خود را بر تحلیل توصیفی مؤثر از ماهیت فضای فرهنگی در فرهنگ‌های غیر غربی متمرکز کرد. او استدلال می‌کرد که وقتی اماکن از نظر فرهنگی تفکیک می‌شوند، وضعیت زنان کاهش می‌یابد و در نتیجه شکافی بین آن‌ها و مردان از نظر یافتن کار مناسب ایجاد می‌شود. وقتی مؤسسات فضایی توسط مردان اداره می‌شود، قطعاً برای زنان کارساز نخواهد بود و آن‌ها را به حاشیه خواهد برد. با تمرکز بر طبیعت فرهنگی فضاهای شهری، تعدادی از متخصصان طبیعت دوگانه فضاهای عمومی و خصوصی را نقد کرده‌اند. نانسی دانکن پیشنهاد می‌دهد که دوقطبی بودن فضا برای قانونمندی‌سازی به حاشیه راندن زنان است و او فضاهای دوگانه عمومی و خصوصی را برهم می‌زند و فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی را به‌جای آنان پیشنهاد می‌کند. دیگر نویسندگان نیز فضاهای شهری را که بسیار عمومی هستند شامل مراکز خرید، مشروب خانه‌ها، رستوران‌ها و سالن‌های رقص حومه‌ای را به چالش می‌کشند. قراردادن امتیاز خاص باعث آزادی‌های بیشتر مردان و زنان می‌شود تا در موقعیت‌های مختلف قرار گرفته و آن طور که می‌خواهند رفتار کنند. سوزان گال حتی پیشنهاد می‌دهد که چنین تقسیمی به لحاظ عمومی یا خصوصی بهترین ایده‌پردازی استفاده از تحلیل فرکتال است که زیردسته بندی‌های فضا را با جدایی‌های هندسی عوض می‌کند. نیاز است تا فراتر از دوگانگی

5-2-1- مطلوبیت فضای شهری

وجود فضاهای شهری مطلوب و موفق نقش و اهمیت فراوانی در زندگی روزمره شهروندان داشته و ارتقا کیفیت این محیط‌ها و به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه پایدار مطرح شده است (Ma'roufi, 2020). Bayazidi, 2020 & میزان مطلوبیت فضاهای شهری بستگی به کیفیت استفاده از آن فضا و میزان جذابیت آن برای فعالیت‌های متناسب با آن دارد ابعاد چهارگانه مطلوبیت فضای شهر عبارت‌اند از: دسترسی و ارتباطات، آسایش و تصویر ذهنی، اجتماع‌پذیری و کاربری و فعالیت است (Gholami et al., 2023). جدول شماره 1 مطلوبیت فضایی از منظر نظریه‌پردازان و پژوهشگران را نشان می‌دهد.

جدول 1- مطلوبیت فضایی از منظر نظریه پردازان و

پژوهشگران (Gholami et al., 2023)

Tab. 1 - Spatial Utility from the Perspective of Theorists and Researchers (Gholami et al., 2023)

نظریه پرداز	سال	شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری
کوبین لینچ	1981	سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی، عدالت
آلن جیکوبز و دانلد اپلیارد	1987	دسترسی به فرصت‌ها، خوداتکایی شهری، محیطی برای همه، سرزندگی، هویت و کنترل، اصلت و معنی زندگی جمعی
راپاپورت	1987	امنیت، دسترسی به خدمات، مسافت تا هدف، توپوگرافی، شیب و...، کالبد، ویژگی‌های ادراک، سطح پیچیدگی مناسب از محیط، سنگ‌فرش، هنجارها و فرهنگ اقلیم و آب‌وهوا، فصول، سایه، آفتاب، برف‌وباران و...
کلگار	1379	مؤلفه عملکردی، مؤلفه تجربی - زیباشناختی، مؤلفه زیست‌محیطی، حفاظت محیط طبیعی، تنوع، سازگاری، گودگی، مراودات اجتماعی، برابری و مساوات، نگهداری، انطباق‌پذیری، معنی، نظارت و اختیار.

یکی از معیارهای مطلوبیت محیط میزان پاسخ دهنده‌گی آن به نیازهای انسان است. مردم بر اساس نیازهای خود به محیط توجه می‌کنند و تشخیص مردم از محیط به میزان زیادی به نیازها و آموزش‌هایی که دیده‌اند، بستگی دارد (Lang, 2019). این موضوع در

عمومی - خصوصی و ایده‌پردازی مجدد فضای فرهنگی حرکت کنیم (Massey, 1994).

4-2-1- تعادل در استفاده از فضاهای عمومی

تعادل در جامعه لزوماً به معنای برابری یا تساوی نیست. زمانی که در یک زمین به نام سطح شروع می‌شود، تساوی نمی‌تواند باعث ایجاد موقعیت بهتر شود. به طور مثال اگر یک شهر از الگوهای حمل‌ونقلی استفاده کند که بیشتر پاسخگوی نیاز مردان باشد، حالت بهتر آن است که این استفاده از فضای حرکتی متعادل شود. این ممکن است به معنای ارتقای شرایط حمل‌ونقل عمومی باشد و این که در تمام نقاط مورد نیاز زنان ایستگاه وجود داشته باشد. به طور مشابه اعمال برنامه‌ریزی هم اغلب بر دانش تکنیکی قرار دارد که در اختیار مردان است (Sandercock and Forsyth, 1992).

به‌رحال بعضی‌ها ممکن است بحث کنند که برنامه‌ریزی مردانه‌ترین تلاشی است که بر ساختن به‌جای مردم تأکید می‌کند. تاریخ‌دانان برنامه‌ریز پیشنهاد می‌دهند که روندهای اجتماعی از جهت‌گیری‌های فیزیکی در حرفه توسعه جدا شود. در حال که بعضی دیگر که به ارتباطات اجتماعی علاقه‌مند هستند که شامل بسیاری از زنان می‌شود، در زمینه‌هایی چون کارهای اجتماعی به فعالیت می‌پردازند، آن‌هایی هم که به فرم‌های فیزیکی شهر گرایش دارند به سمت برنامه‌ریزی کشیده می‌شوند (Sandercock & Forsyth, 1992).

با وجود اینکه آثار برنامه‌ریزی تعادل برای شناخت و مقایسه مشکل است (Abdollahi et al., 2013). این امر واضح است که هم‌اکنون تعداد زنان بیشتری نسبت به گذشته در این حرفه مشغول به کار هستند. موضوعاتی که زنان برای مطالعه انتخاب می‌کنند، نیز مختص به خود آن‌هاست. به‌رحال فاصله بین مردان و زنان در تفاوت میزان حقوق مردان و زنان برنامه‌ریز در آمریکای شمالی همچنان به قوت خویش باقی است، زیرا همچنان گرایش مردانه به این رشته وجود دارد. برنامه‌ریزان زن همیشه رویکرد فمینیستی را ولو در نهان همراه خود دارند (Fainstein et al., 2006).

فضاهای باز شهری به عنوان بستر ارتباطات و تعاملات اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اگر این فضاها کیفیت مطلوبی نداشته باشند نمی‌توانند مردم را جذب کنند و کاهش حضور مردم در فضاهای شهری عواقب منفی زیادی از جمله کاهش امکان برقراری ارتباط و تعاملات اجتماعی را در پی خواهد داشت (Gehl, 1987).

دسترسی را می‌توان مهم‌ترین عنصر خصوصیت و اساسی‌ترین عملکرد پیاده‌راه‌ها دانست. دسترسی در قالب‌های مختلفی بیان می‌شود. مانند: دسترسی به افراد، دسترسی به فعالیت‌ها، دسترسی به کالاها، منابع، دسترسی به اماکن و اطلاعات

(Echenique et al, 1972). ایمنی و امنیت و احساس تعلق به فضا است که در نهایت نه تنها ارتقا کیفی مسیر، بلکه ارتقا روابط اجتماعی و رونق حیات شهری را در پی خواهد داشت؛ بنابراین، توقعات موردی مورد انتظار در فرایند برنامه‌ریزی مسیرهای پیاده را می‌توان در سرزندگی، انعطاف‌پذیری و ایمنی خلاصه کرد که در ادامه این سه ویژگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. پیاده‌راه‌ها، محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی است. به همین دلیل وجود آنها در شهر به ارتقای تصویر ذهنی افراد از شهر کمک می‌کند. پیاده‌راه‌ها در مقیاس شهر عمل می‌کنند و باید پذیرای گروه‌های مختلفی از شهروندان با اندیشه، احساس و ادراک فضا، سن، جنس و توانایی‌های جسمی متفاوت باشند. در پیاده‌راه‌ها باید همواره زندگی اجتماعی در جریان باشد و سرزندگی از ویژگی‌های اساسی و اصلی آن است. این فضا همچنین باید خود را همواره با رویدادهای درون خود هماهنگ سازد؛ لذا انعطاف نیز از ویژگی‌های مهم در پیاده‌راه‌هاست و آنچه حضور همه شهروندان در پیاده‌راه‌ها را تضمین می‌کند، ایمنی این فضا است (Pakzad, 2007). برخی از انواع ساختمان‌ها تأثیر زیادی بر تمایل افراد به پیاده‌روی دارند. مردم معمولاً ترجیح می‌دهند در کنار ساختمان‌های تاریخی قدم بزنند، زیرا این فضاها جذابیت بیشتری نسبت به خیابان‌هایی با ساختمان‌های فرسوده دارند.

پیاده‌راه‌ها نقش مؤثری در کشف و ادراک محیط کالبدی و اجتماعی شهر دارند. هر قدر فضاها و امکانات

حرکت مطلوب پیاده افزایش یابد امکانات ادراک محیط شهری و بهره‌گیری از ارزش‌های بصری، فرهنگی، اجتماعی آن نیز افزایش می‌یابد. مقیاس حرکت به نحوی است که امکان مکاشفه در محیط را برای انسان مهیا می‌سازد و هیچ حرکتی به لحاظ هماهنگی با احساس و ادراک انسان به پای پیاده نمی‌رسد. پیاده‌روی بیشترین نزدیکی را به محیط دارد و بنابراین اجازه می‌دهد فرایند تفسیر و به‌خاطر آوردن، منسجم‌تر باشد. این پدیده از نظر ادراک هویت فضایی، احساس تعلق به محیط و دریافت زیبایی از اهمیت اساسی برخوردار است (Brambila & longo, 1997).

از نظر هالپرین کفسازی کیفیتی است بصری که برای فرد پیاده تجربه‌های مستقیم و شخصی است؛ به‌طوری که مصالح استفاده شده در کف به همان اندازه که در زیبایی آن مؤثر است در میزان کارایی و راحتی آن نیز تأثیرگذار است (Halprin, 1972). آسایش یکی از شاخص‌های مهم طراحی پیاده‌مدار، آسایش است. آسایش نقش مهمی در افزایش کیفیت شبکه‌های پیاده‌راهی دارد مسیرهای پیاده‌روی در هم‌جواری با عناصر طبیعی همچون فضاهای سبز خرد اقلیم‌ها و لبه‌های شهری مفرح به دلیل تداوم استفاده از لحاظ زمانی بهترین شرایط را برای حضور حداکثری مراجعان در شبکه‌های پیاده‌راهی فراهم می‌نمایند. بسیاری از خدمات، مانند فروشگاه‌ها و مراکز تجاری افراد را به پیاده‌روی کردن تشویق می‌کنند (Jelle van et al., 2012). در شکل شماره 1 شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری از نقطه نظر مردان/ زنان آمده است که حاصل جمع‌بندی مبانی نظری و همچنین برداشتی از نظریات جک ال. نسر (1393) در کتاب تصویر ذهنی ارزیابانه از شهر است:

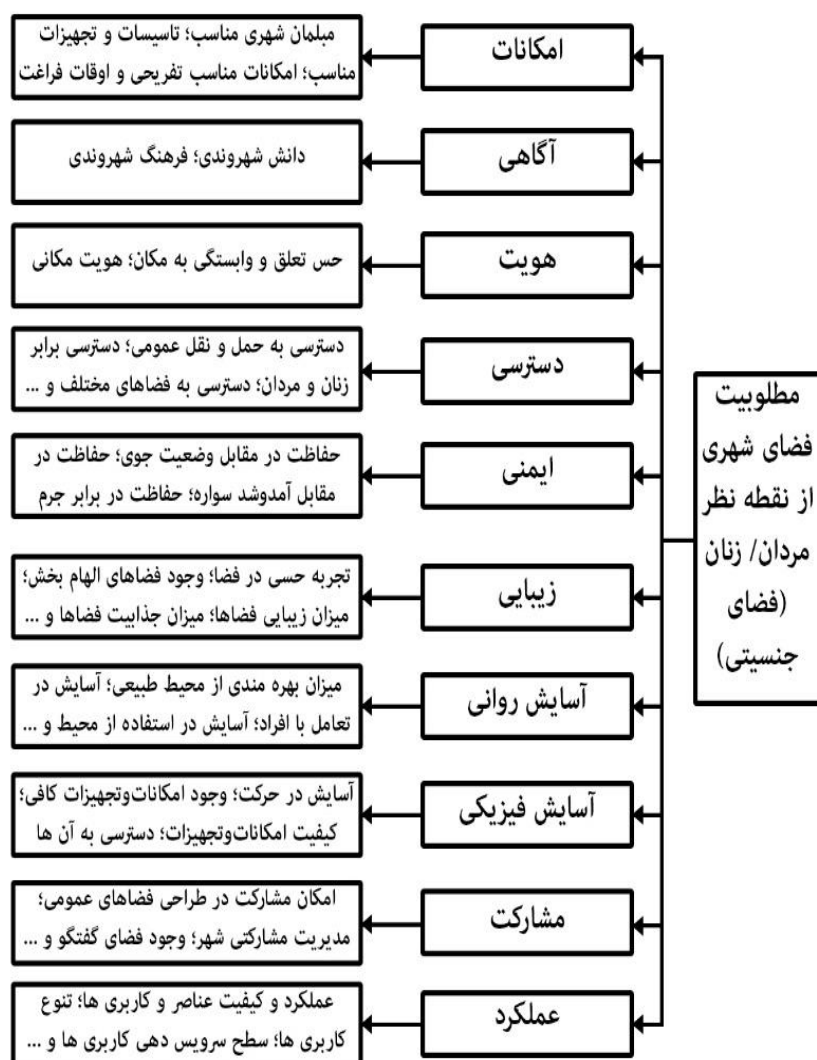
6-2-1- معرفی نمونه موردی

محدوده مورد بررسی خیابان تربیت در محله‌ای با همین نام واقع در مرکز شهر تبریز و بافت قدیمی آن قرار دارد. این خیابان به طول تقریبی 500 متر و عرض متوسط 14 متر است. ورودی خیابان از سمت مرکز شهر و از طریق میدان ساعت و خیابان امام خمینی

وسایل نقلیه موتوری میان «دروازه نوبر» و «دیک‌باشی» به‌صورت تعریض طراحی و نام آن به‌افتخار شهردار وقت «خیابان تربیت» گذاشته شد. در این فرایند، با توجه به تعیین درست سمت‌وسوی خیابان، تلاش شد تا تخریب و تغییرات در حداقل ممکن انجام گیرد. این اقدام نه‌تنها به بهبود شرایط عبور و مرور کمک کرد، بلکه نشان‌دهنده توجه به مدیریت شهری و نیازهای روز جامعه آن زمان نیز بود. به‌این‌ترتیب، خیابان تربیت به یکی از معابر مهم و شناخته‌شده شهر تبدیل شد و نقش کلیدی در تسهیل رفت‌وآمد مردم ایفا کرد (Safamanesh et al., 1997).

(پهلوی سابق) امکان‌پذیر است که این خیابان به عنوان یکی از خیابان‌های اصلی شهر محسوب می‌شود. در انتهای خیابان، به بازار قدیم تبریز منتهی می‌شود که این بازار به عنوان یکی از مراکز مهم تجاری و فرهنگی شهر شناخته می‌شود. خیابان تربیت نه‌تنها به عنوان یک مسیر عبوری بلکه به عنوان یک نقطه تجمع فرهنگی و اجتماعی نیز اهمیت دارد و می‌تواند نقش بسزایی در جذب گردشگران و حفظ هویت تاریخی تبریز ایفا کند. (Ghorbani, & Jam Kasra, 2010)

در فاصله سال‌های 1307 تا 1310، در دوران شهرداری محمدعلی تربیت در تبریز، خیابانی برای تسهیل تردد



شکل 1 - شاخص‌های مطلوبیت فضاهای شهری از نظر مردان/ زنان
Fig. 1_ Desirability indices of urban spaces in terms of men/women

بار ترافیکی سنگینی در این منطقه پر ازدحام وجود داشت که نیاز به اقداماتی برای کاهش آن احساس می‌شد. برای رفع مشکل ترافیک در این خیابان و همچنین برای حفظ، بازسازی و پردازش معماری سنتی و نمای ساختمان‌ها، ضرورت تبدیل این محور به فضایی مختص عابران پیاده مشخص شد. بسیاری از نماهای ساختمان‌های قدیمی در خیابان تربیت، به‌وضوح نشان‌دهنده ویژگی‌های خاص آذربایجانند و مشابه آنها را می‌توان در شهر باکو نیز مشاهده نمود. تعدادی از این بناهای باارزش در میدان ساعت و ابتدای خیابان ارتش شمالی به دلیل اصابت موشک‌ها در زمان جنگ تحمیلی از بین رفتند. این خیابان به طور عمده به فروش پوشاک زنانه اختصاص دارد و تبدیل آن به پیاده‌راه شباهت زیادی به خیابان صف در تهران دارد. شکل شماره 3، محدوده تردد خیابان تربیت را به تصویر کشیده است.



شکل 3- محدوده عبوری پیاده راه تربیت تبریز
Fig. 3-Tabriz Tabriz pedestrian crossing area

2- روش تحقیق

این پژوهش باهدف کاربردی و ماهیتی توصیفی - تحلیلی، رویکردی ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را اتخاذ می‌کند. در بخش کمی، داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری می‌شوند، درحالی‌که در بخش کیفی، مشاهدات میدانی به کار گرفته می‌شود جامعه آماری این مطالعه شامل 20000 نفر از عابران و ساکنان پیاده‌راه تربیت در تبریز است. با استفاده از فرمول

تا پیش از تبدیل این محور به پیاده‌راه، نماهای باارزش قدیمی و معماری خاصی که بدنه‌های این خیابان را تشکیل می‌دادند، رو به فرسودگی داشت و بار ترافیکی سنگینی نیز در این منطقه پر ازدحام به چشم می‌خورد. به‌این‌ترتیب، برای حل مشکل ترافیک این خیابان و احیا و پردازش معماری سنتی و نماهای آن، لزوم حذف این محور از شبکه ترافیکی منطقه احساس می‌شد، به‌ویژه اینکه در تبریز نیز همچون بسیاری از شهرهای کهن کشور در مقطعی از زمان، بافت قدیم، بی‌رحمانه رو به ویرانی نهاده بود؛ تا اینکه در سال 1371 سمت شرقی آن به مسیر صرفا پیاده با عملکرد تجاری و تفریحی تبدیل شد (Jam Kasra & Ghorbani, 2010).

محور پیاده تربیت در قلب شهر و درون بافت تاریخی قرار دارد و هسته مرکزی شهر را، از خیابان امام به بازار تبریز مرتبط می‌سازد. مهم‌ترین مراکز پیرامون این محل میدان ساعت (که عمارت قدیمی شهرداری تبریز در آن واقع است) و بازار تبریز است. تا پیش از تبدیل وضعیت این خیابان، نماهای قدیمی و معماری خاص بدنه آنها، در حال فرسودگی بود. شکل شماره 2 موقعیت محور پیاده‌راه تربیت در بافت شهر تبریز است.



شکل 2- موقعیت محور پیاده راه تربیت و خیابان کنشی های معاصر
بر روی تصویر هوایی سال 1335 (Ismaili Sangari, 2014)

Fig.2- The position of the pedestrian walkway and contemporary street layouts on the aerial image of 1956 (Ismaili Sangari, 2014)

پرسشنامه عمومی مطرح شد. سپس با توزیع پرسشنامه به صورت تصادفی ساده مابین شهروندان و افراد استفاده کننده از پیاده راه تربیت تبریز، مرحله عملیاتی پژوهش آغاز شد. پاسخ سوالات مشتمل بر 37 گویه است که بر مبنای طیفی تفکیک شده است. پس از حصول اطمینان از توزیع نرمال داده ها پایایی پرسشنامه بررسی شد که آلفای کرونباخ معادل 0/76 محاسبه شد که نشان از پایایی قابل قبول پرسشنامه دارد. در مرحله بعد با استفاده از معادله همبستگی پیرسون به بررسی ارتباط هر یک از شاخص ها با جنسیت افراد پرداخته شد و جدول همبستگی هر یک از شاخص ها با جنسیت افراد به تفکیک زنان و مردان استخراج شد. سپس از آزمون فریدمن برای تجزیه و تحلیل تفاوت بین مردان و زنان در رتبه بندی ده شاخص کیفیت زندگی بین دو گروه زن و مرد استفاده شد. در نهایت، سیگنال (سهم) هر شاخص به طور مستقل توسط آیتم های آن تعیین شد. هدف این پژوهش تحلیل تفاوت های تصویر ذهنی زنان و مردان در پیاده راه تربیت تبریز با توجه کردن به ابعاد فرهنگی فضا است. بدین ترتیب پس از مطالعه تحقیقات مرتبط و مطالعات نشان دهنده سیر تحول موضوع، مبانی نظری و اندیشه های متفکران مختلف مورد بررسی قرار گرفت و جهت بررسی سوالات، گردآوری اطلاعات به کمک پرسشنامه مشتمل بر 37 گویه در طیف لیکرت طراحی شد. بر طبق مشاهدات میدانی محققین جمعیت بازدیدکننده از خیابان تربیت تبریز در طول روز به طور متوسط در حدود 20 هزار نفر است. به کمک فرمول کوکران و سطح خطای 5 درصد حجم نمونه آماری برای محدوده آماری مورد نظر معادل 380 نفر - 190 زن و 190 مرد - می باشد که شاخص های مرکزیت و پراکندگی نیز بر اساس آزمون فریدمن در نرم افزار SPSS مورد ارزیابی قرار گرفت.

3- نتایج و بحث

برای تجزیه و تحلیل تفاوت های تصویر ذهنی زنان و مردان در پیاده راه ها در تبریز، پیاده راه تربیت به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شد که رویکرد فرهنگی فضا در این پیاده راه بررسی شد. در این راستا از 380 نفر (190

کوکران و تعیین سطح خطای 5 درصد، حجم نمونه به 376/94 نفر محدود شد و با رند کردن 380 در نظر گرفته شد که شامل 190 مرد و 190 زن است. این انتخاب به صورت هدفمند انجام شد تا برابری در تعداد پرسش شوندگان رعایت شود و نماینده ای از همگان در این پیاده راه باشد. در این راستا، تعداد پرسشنامه های توزیع شده به دلیل احتمال وجود پرسشنامه های مخدوش، 400 عدد بود. این پرسشنامه ها در طی دو هفته و در ساعات مشخص بین ساعت 11 تا 19، زمانی که تعداد استفاده کنندگان بیشتر است، بین مردم پخش شد. پس از گردآوری داده ها و حذف پرسشنامه های ناقص، در نهایت 380 پرسشنامه معتبر برای تحلیل و بررسی انتخاب شد. این روش به محقق این امکان را می دهد که با اطمینان بیشتری به نتایج دست یابد و تحلیل های خود را دقیق تر انجام دهد. این رویکرد به ویژه در پژوهش هایی که نیاز به بررسی های دقیق و جامع دارند، اهمیت ویژه ای پیدا می کند و می تواند به درک بهتر از وضعیت و نیازهای عابران کمک کند. این مطالعه بر تنوع و گوناگونی ها تمرکز دارد و به دنبال دسته بندی و طبقه بندی داده ها است. در برخی موارد، تحلیل همبستگی ها برای بررسی داده های پرسشنامه ای استفاده می شود، در حالی که در موارد دیگر، پالایش داده ها و استخراج اشتراکات، رویکرد کیفی را در تحلیل اتخاذ می کند. این ترکیب روش ها به محقق اجازه می دهد تا با در نظر گرفتن همه جوانب، الگوهای رفتاری و رفتارشناسی در پیاده راه تربیت تبریز را به طور جامع ارزیابی و تحلیل نماید. به منظور اجرای عملیاتی این پژوهش، ابتدا با گردآوری مطالب کتابخانه ای و بررسی تحقیقات گذشته 10 متغیر امکانات، آگاهی، هویت، دسترسی، ایمنی، زیبایی، آسایش روانی، آسایش فیزیکی، مشارکت و عملکرد به عنوان متغیرهای اصلی مؤثر بر کیفیت فضای پیاده راه ها استخراج شد. در ادامه با مرور مبانی نظری و استفاده از روش دلفی و تدوین پرسشنامه تخصصی، نظرات خبرگان و متخصصان گردآوری شد و تعداد 37 شاخص در جهت تبیین متغیرها استخراج شد. در ادامه، متناسب با هر شاخص یک پرسش منحصر به فرد در

نفر مرد و 190 نفر زن) پرسش شد. براساس نتایج به دست آمده کیفیت فضای پیاده راه تربیت تبریز از دیدگان مردان به خوبی نشان می دهد که بار عاملی دسترسی در بالاترین سطح قرار داشته و پس از آن هویت و آگاهی در حدود 80% میانگین قرار دارند. پس از آن عملکرد، ایمنی، آسایش روانی و امکانات مطلوبیت متوسط را با (50-60%) به خود اختصاص می دهند. در پایین ترین سطح نیز شاخص های مشارکت، آسایش فیزیکی و زیبایی قرار دارند که سهمی کمتر از 40% را به خود اختصاص داده اند. بنابراین این موضوع بیان می کند که برای مردان موضوعات کارکردی و شناختی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و مسائل زیبایی و آسایش فیزیکی از اهمیت کمتری برخوردار است، مشارکت نمره بسیار کمی به دست آمده است و این موضوع قابل تأمل است، چرا که نشانگر این موضوع است که مردان به تأثیر مشارکت در شکل گیری فرهنگ فضا کمتر اهمیت می دهند. در جدول شماره 2 تحلیل عاملی تأییدی مرتبط با گویه های پرسشنامه از منظر مردان درج شده است.

همان طور که در جدول شماره 3 نشان داده شده، نتایج ضریب همبستگی، واریانس، انحراف معیار و میانگین 37 گویه بر اساس نظرات مردان به دست آمده است. این یافته ها حاکی از آن است که بین هر یک از ده شاخص و گویه های مربوطه، ارتباط معناداری با سطح اطمینان 95% وجود دارد و مقدار این رابطه به 1/96 می رسد. در این تحقیق، مردان به عنوان بهترین شاخص، "دسترسی" را با میانگین 9/45 انتخاب کرده اند، و پس از آن شاخص های "هویت" با میانگین 8/65 و "آگاهی" با 7/71 در اولویت های بعدی قرار دارند. در عوض، نامطلوب ترین شاخص از نظر مردان "زیبایی" با میانگین 2/98 شناخته شده است. این تحلیل نشان می دهد که مردان بیشتر بر روی دسترسی و هویت تأکید دارند و در مقابل، زیبایی برای آنها اهمیت کمتری دارد. این نتایج می تواند به درک بهتری از نیازها و اولویت های مردان در این زمینه کمک کند و نشان دهنده تمایل آنها به ارزش گذاری بر روی جنبه هایی است که به تسهیل زندگی و ایجاد هویت مرتبط می شود.

جدول 2- تحلیل عاملی تأییدی مرتبط با گویه های پرسشنامه از منظر مردان
Tab. 2- Confirmatory factor analysis related to questionnaire items from men's perspective

متغیر	شاخص	گویه	بار عاملی	قدرت
عملکرد	کاربری متناسب با زمان استفاده	Q 1	0/762	بالا
	سطح سرویس دهی کاربری ها	Q 2	0/597	متوسط
	تنوع کاربری ها	Q 3	0/792	بالا
	عملکرد و کیفیت عناصر و کاربری ها	Q 4	0/894	بالا
	شرکت در انجمن ها و نهادهای مردمی	Q 5	0/723	بالا
مشارکت	امکان مشارکت ذهنی و فیزیکی	Q 6	0/548	متوسط
	وجود فضای مناسب مشارکتی برای گفتگو	Q 7	0/612	متوسط
	مدیریت مشارکتی شهر	Q 8	0/797	بالا
	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	Q 9	0/842	بالا
	وجود مناسب به امکانات و تجهیزات	Q 10	0/714	بالا
آسایش فیزیکی	کیفیت امکانات و تجهیزات	Q 11	0/766	بالا
	دسترسی امکانات و تجهیزات کافی	Q 12	0/601	متوسط
	آسایش در حرکت	Q 13	0/521	متوسط
آسایش روانی	راحتی و سرزندگی در فضاها	Q 14	0/771	بالا
	آسایش در استفاده از محیط	Q 15	0/762	بالا
	آسایش در تعامل با افراد	Q 16	0/892	بالا
	میزان بهره مندی از محیط طبیعی	Q 17	0/681	بالا

متغیر	شاخص	گویه	بار عاملی	قدرت
زیبایی	میزان جذابیت و تنوع فضاها	Q 18	0/542	متوسط
		Q 19	0/366	متوسط
		Q 20	0/715	بالا
		Q 21	0/801	بالا
		Q 22	0/499	متوسط
ایمنی	حفاظت در مقابل جرم و جنایت	Q 23	0/784	بالا
		Q 24	0/816	بالا
		Q 25	0/852	بالا
		Q 26	0/899	بالا
		Q 27	0/859	بالا
دسترسی	دسترسی به فضای مناسب برای فعالیت فرهنگی - ورزشی	Q 28	0/924	بالا
		Q 29	0/814	بالا
		Q 30	0/865	بالا
		Q 31	0/865	بالا
		Q 32	0/892	بالا
هویت	حس تعلق و وابستگی به مکان	Q 33	0/902	بالا
		Q 34	0/809	بالا
		Q 35	0/798	بالا
		Q 36	0/751	بالا
		Q 37	0/608	متوسط

جدول 3- ضریب همبستگی، واریانس، انحراف معیار و میانگین از منظر مردان

Tab. 3- Correlation coefficient, variance, standard deviation and mean from men's perspective

متغیر	شاخص	ضریب همبستگی	واریانس	انحراف معیار	میانگین
عملکرد	کاربری متناسب با زمان استفاده	0.842	0.94	0.994	1.45
		0.902	1.25	1.214	2.15
		0.821	1.45	1.218	1.35
		0.869	1.98	0.865	2.98
		0.845	0.74	0.847	2.08
مشارکت	امکان مشارکت ذهنی و فیزیکی	0.765	1.09	1.032	1.65
		0.692	1.41	1.018	0.75
		0.798	1.34	0.951	2.65
		0.812	1.25	1.065	1.45
		0.945	1.36	1.313	2.14
آسایش فیزیکی	کیفیت امکانات و تجهیزات	0.824	1.95	1.215	1.84
		0.894	1.24	1.032	0.95
		0.831	1.62	1.945	1.75
		0.845	1.78	1.756	1.15
		0.825	1.24	1.623	2.07
آسایش روانی	آسایش در تعامل با افراد	0.864	1.09	1.432	2.98
		0.942	1.37	1.032	1.15
		0.765	1.65	1.032	1.42
		0.865	0.98	1.005	1.71

متغیر	شاخص	ضریب همبستگی	واریانس	انحراف معیار	میانگین
ایمنی	میزان زیبایی فضاهای عمومی شهری	0.861	2.09	1.007	0.94
	وجود فضاهای الهام‌بخش	0.951	1.06	0.965	1.09
	تجربه حسی در فضا	0.834	1.35	0.985	1.06
	حفاظت در مقابل جرم و جنایت	0.794	0.95	1.251	2.15
	حفاظت در مقابل آلوده شدن سواره	0.862	1.65	1.360	1.98
دسترسی	حفاظت در مقابل وضعیت جوی	0.812	0.92	1.080	1.15
	دسترسی به فضای مناسب برای فعالیت فرهنگی - ورزشی	0.794	1.45	0.965	3.58
	دسترسی شهروندان به مسئولان شهری	0.815	0.61	0.845	2.65
	دسترسی به فضاهای مختلف شهر با وسایل حمل و نقل	0.761	1.26	0.865	2.65
	دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهری	0.694	0.67	0.932	1.84
هویت	دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن	0.815	1.08	1.325	2.65
	هویت مکانی	0.865	1.23	1.023	3.05
	حس تعلق و وابستگی به مکان	0.791	0.84	1.455	2.18
	فرهنگ شهروندی	0.861	0.99	0.965	3.09
	دانش شهروندی	0.898	1.26	1.235	1.94
امکانات	امکانات مناسب تفریحی و گذران فراغت	0.915	0.65	1.032	1.64
	تأسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی و غیره)	0.794	0.74	1.039	1.18
	میلان شهری مناسب	0.864	0.84	0.945	1.99

بالاترین سطح قرار دارد و پس از آن دسترسی و هویت در حدود 80٪ میانگین قرار دارند. پس از آن آسایش فیزیکی، آسایش روانی، زیبایی و امکانات مطلوبیت متوسط را با (50-60٪) به خود اختصاص داده‌اند. در پایین‌ترین سطح نیز شاخص‌های آگاهی، مشارکت و عملکرد قرار دارند که سهمی کمتر از 40٪ را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین این موضوع بیان می‌کند که برای زنان موضوعات ایمنی و دسترسی از اهمیت بیشتری برخوردار بود و مسائل آگاهی و عملکردی بی اهمیت می‌نماید، مشارکت نیز نمره بسیار پایینی دارد و این موضوع همانند مردان است، بنابراین زنان هم به تاثیر مشارکت در شکل‌گیری فرهنگ فضا اعتقادی ندارند. در جدول شماره 4 تحلیل عاملی تأییدی مرتبط با گویه‌های پرسشنامه از منظر زنان درج شده است. همان‌طور که در جدول شماره 5 مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی، واریانس، انحراف معیار و میانگین هریک از 37 گویه طبق نظر زنان استخراج شد و این نتیجه حاصل شد که میان هریک از شاخص‌های ده‌گانه با گویه‌ها رابطه معناداری (1.96) وجود داشته و ارتباط میان گویه‌ها با شاخص‌های مربوطه نیز با سطح اطمینان 95٪ تأیید می‌شود. بنابراین زنان مطلوب‌ترین

کیفیت فضای پیاده‌راه تربیت تبریز از منظر زنان نشان می‌دهد که ایمنی به‌عنوان اصلی‌ترین عامل مورد توجه قرار گرفته است. پس از ایمنی، مواردی چون دسترسی و هویت در سطح قابل‌قبولی قرار دارند، به‌طوری‌که میانگین این دو مؤلفه حدود 80 درصد است. در ادامه، آسایش فیزیکی و روانی، زیبایی و امکانات، با درصدهایی بین 50 تا 60 درصد، وضعیت متوسطی را نشان می‌دهند. در نهایت، کمترین توجه به شاخص‌های آگاهی، مشارکت و عملکرد معطوف شده که سهمی زیر 40 درصد را به خود اختصاص داده‌اند. این نتایج بیانگر این است که زنان بیشتر نگران ایمنی و دسترسی هستند و به موضوعاتی مانند آگاهی و عملکرد اهمیت کمتری می‌دهند. همچنین، نمره پایین مشارکت نشان‌دهنده عدم اعتقاد زنان به تأثیر این موضوع در شکل‌گیری مطلوبیت فضا است. در جدول شماره 5، تحلیل عاملی تأییدی مرتبط با گویه‌های پرسشنامه از دیدگاه زنان ارائه شده است. این یافته‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی کمک کند تا نیازها و انتظارات زنان به درستی مورد توجه قرار گیرد. کیفیت فضای پیاده‌راه تربیت تبریز از دیدگان زنان نشان‌دهنده این موضوع است که بار عاملی ایمنی در

شاخص را ایمنی با میانگین (9.89) انتخاب کردند و نامطلوب‌ترین شاخص از نظر ایشان نیز عملکرد با پس از آن دسترسی (8.75) و هویت (7.62) قرار دارد. (3.65) است.

جدول 4- تحلیل عاملی تأییدی مرتبط با گویه های پرسشنامه از منظر زنان

Tab. 4- Confirmatory factor analysis related to questionnaire items from women's perspective

متغیر	شاخص	گویه	بار عاملی	قدرت
عملکرد	کاربری متناسب با زمان استفاده	Q 1	0.715	بالا
	سطح سرویس دهی کاربری ها	Q 2	0.523	متوسط
	تنوع کاربری ها	Q 3	0.815	بالا
	عملکرد و کیفیت عناصر و کاربری ها	Q 4	0.399	متوسط
	شرکت در انجمن ها و نهادهای مردمی	Q 5	0.784	بالا
مشارکت	امکان مشارکت ذهنی و فیزیکی	Q 6	0.884	بالا
	وجود فضای مناسب مشارکتی برای گفتگو	Q 7	0.564	متوسط
	مدیریت مشارکتی شهر	Q 8	0.751	بالا
	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	Q 9	0.412	متوسط
	وجود مناسب به امکانات و تجهیزات	Q 10	0.832	بالا
آسایش فیزیکی	کیفیت امکانات و تجهیزات	Q 11	0.798	بالا
	دسترسی امکانات و تجهیزات کافی	Q 12	0.864	بالا
	آسایش در حرکت	Q 13	0.625	متوسط
	راحتی و سرزندگی در فضاها	Q 14	0.765	بالا
	آسایش در استفاده از محیط	Q 15	0.603	متوسط
آسایش روانی	آسایش در تعامل با افراد	Q 16	0.821	بالا
	میزان بهره‌مندی از محیط طبیعی	Q 17	0.689	بالا
	پاکیزگی فضاها و محیط	Q 18	0.567	متوسط
	میزان جذابیت و تنوع فضاها	Q 19	0.598	متوسط
	میزان زیبایی فضاهای عمومی شهری	Q 20	0.754	بالا
زیبایی	وجود فضاهای الهام‌بخش	Q 21	0.799	بالا
	تجربه حسی در فضا	Q 22	0.492	متوسط
	حفاظت در مقابل جرم و جنایت	Q 23	0.794	بالا
	حفاظت در مقابل آلوده شدن سواره	Q 24	0.972	بالا
	حفاظت در مقابل وضعیت جوی	Q 25	0.864	بالا
ایمنی	دسترسی به فضای مناسب برای فعالیت فرهنگی - ورزشی	Q 26	0.746	بالا
	دسترسی شهروندان به مسئولان شهری	Q 27	0.846	بالا
	دسترسی به فضاهای مختلف شهر با وسایل حمل و نقل	Q 28	0.865	بالا
	دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهری	Q 29	0.815	بالا
	دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن	Q 30	0.904	بالا
دسترسی	هویت مکانی	Q 31	0.865	بالا
	حس تعلق و وابستگی به مکان	Q 32	0.798	بالا
	فرهنگ شهروندی	Q 33	0.774	بالا
	دانش شهروندی	Q 34	0.532	متوسط
	امکانات مناسب تفریحی و گذران فراغت	Q 35	0.705	بالا
امکانات	تأسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی و غیره)	Q 36	0.495	متوسط
	میلان شهری مناسب	Q 37	0.692	بالا

جدول 5- ضریب همبستگی، واریانس، انحراف معیار و میانگین از منظر زنان
Tab. 5- Correlation coefficient, variance, standard deviation and mean from the perspective of women

متغیر	شاخص	ضریب همبستگی	واریانس	انحراف معیار	میانگین
عملکرد	کاربری متناسب با زمان استفاده	0.812	1.65	0.879	0.95
	سطح سرویس‌دهی کاربری‌ها	0.895	0.84	1.315	1.59
	تنوع کاربری‌ها	0.823	1.15	1.451	0.79
	عملکرد و کیفیت عناصر و کاربری‌ها	0.845	1.08	0.995	1.07
	شرکت در انجمن‌ها و نهادهای مردمی	0.865	1.62	0.798	0.98
مشارکت	امکان مشارکت ذهنی و فیزیکی	0.716	1.45	1.315	1.05
	وجود فضای مناسب مشارکتی برای گفتگو	0.635	1.62	1.369	1.65
	مدیریت مشارکتی شهر	0.714	1.07	0.898	0.51
	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	0.834	1.95	1.264	1.07
	وجود مناسب به امکانات و تجهیزات	0.902	1.21	1.289	2.98
آسایش فیزیکی	کیفیت امکانات و تجهیزات	0.846	1.03	1.945	1.49
	دسترسی امکانات و تجهیزات کافی	0.764	1.08	1.234	3.03
	آسایش در حرکت	0.815	0.64	1.154	2.71
	راحتی و سرزندگی در فضاها	0.865	1.18	1.265	3.46
	آسایش در استفاده از محیط	0.812	1.65	1.798	1.65
آسایش روانی	آسایش در تعامل با افراد	0.869	1.89	1.164	2.08
	میزان بهره‌مندی از محیط طبیعی	0.904	1.15	1.320	2.65
	پاکیزگی فضاها و محیط	0.799	1.04	1.150	2.15
	میزان جذابیت و تنوع فضاها	0.814	1.26	1.221	1.46
	میزان زیبایی فضاهای عمومی شهری	0.896	1.65	1.325	2.08
زیبایی	وجود فضاهای الهام‌بخش	0.912	1.45	0.988	2.45
	تجربه حسی در فضا	0.799	1.09	0.899	1.26
	حفاظت در مقابل جرم و جنایت	0.814	0.87	1.362	2.45
	حفاظت در مقابل آلوده‌شد سواره	0.902	1.15	1.164	3.17
	حفاظت در مقابل وضعیت جوی	0.865	0.96	1.098	3.41
ایمنی	دسترسی به فضای مناسب برای فعالیت فرهنگی - ورزشی	0.715	1.02	0.988	2.19
	دسترسی شهروندان به مسئولان شهری	0.745	0.78	0.789	2.09
	دسترسی به فضاهای مختلف شهر با وسایل حمل‌ونقل	0.782	1.08	0.988	2.45
	دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهری	0.742	0.99	0.926	2.95
	دسترسی راحت به حمل‌ونقل عمومی امن	0.835	1.06	0.904	2.02
هویت	هویت مکانی	0.715	0.98	1.230	3.48
	حس تعلق و وابستگی به مکان	0.846	0.88	1.046	2.25
	فرهنگ شهروندی	0.821	0.84	0.989	1.09
	دانش شهروندی	0.714	1.67	1.456	1.15
	امکانات مناسب تفریحی و گذران فراغت	0.846	0.79	1.650	1.74
امکانات	تأسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی و غیره)	0.832	0.88	1.094	1.65
	مبلغان شهری مناسب	0.748	0.98	0.917	1.65

زنان، ترتیب اهمیت بدین صورت به دست می‌آید: 1- شاخص‌های دسترسی (با میانه میانگین رتبه مردان و زنان: 9.1، 2- هویت (8.135) و 3- ایمنی (7.755).

4- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی تفاوت‌های تصویر ذهنی زنان و مردان در پیاده‌راه تربیت تبریز با تمرکز بر مطلوبیت فضا است. باتوجه به نیازهای فیزیولوژیک و روانی متفاوت دو جنس، تصویر هر یک از آنها نسبت به محیط اطرافشان منحصربه‌فرد است. شناخت تصاویر ذهنی شهروندان به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در ایجاد طراحی شهری پایدار اهمیت دارد. عواملی مانند فرهنگ، شرایط جوی، وضعیت اقتصادی و امنیت می‌تواند بر تصاویر ذهنی تأثیرگذار باشد، اما راهکارهای فرهنگی در فضاها می‌تواند نقاط ضعف موجود را برطرف کند و کیفیت فضاهای شهری را افزایش دهد. در سطح جزئی و در خیابان پیاده‌راه تربیت تبریز، تغییرات کوچک نیازمند یک فرهنگ فضایی مناسبند. برای توانمندسازی بیشتر زنان و مردان در استفاده از حمل‌ونقل عمومی، پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، به مجموعه‌ای از خدمات پشتیبان و تغییرات زیرساختی نیاز است. سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی باید بهبود یابند تا به راحتی در دسترس باشند. زنان با وسایل حمل بار سنگین، معلولان و افرادی که از عصا استفاده می‌کنند، در برابر موانعی مانند پلکان، ورودی‌های باریک و پیاده‌روهای ناکافی با چالش‌هایی مواجه می‌شوند؛ بنابراین، نیاز به فضاهای نشستن بیشتر، ایستگاه‌های اتوبوس مناسب و دسترسی به سرویس‌های بهداشتی عمومی احساس می‌شود تا راحتی بیشتری در فضاهای عمومی فراهم شود. با بررسی پیشینه پژوهش اکثر پژوهش‌های انجام شده هم‌راستای مطالعات حاضر است، اما در نحوه تمرکز به موضوع (ارتباط تصویر ذهنی پیاده‌مداری، عوامل تأثیرگذار بر مطلوبیت فضای شهری) و تفاوت‌هایی دیده می‌شود که در نهایت می‌توان از تجربیات آنها در جهت پیشبرد اهداف پژوهش بهره برد. بر اساس مطالعات انجام‌شده، مشخص شده است که معیارهای مؤثر در مطلوبیت فضا برای مردان و زنان متفاوت است. به طور مثال، درحالی‌که

برای رتبه‌بندی مطلوبیت شاخص‌های ده‌گانه کیفیت زندگی از دیدگاه زنان و مردان از آزمون فریدمن استفاده شده است. آزمون فریدمن زمانی به کار می‌رود که مقیاس اندازه‌گیری حداقل در سطح ترتیبی باشد. پس، آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دوطرفه از طریق رتبه‌بندی، و همچنین مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف بکار می‌رود. جدول شماره 6 بیانگر آنست که مطلوب‌ترین شاخص از نظر مردان دسترسی است و از نظر زنان ایمنی است. گرچه شاخص‌های دسترسی و هویت از منظر مردان و زنان از اهمیت بالا و نسبتاً مشابهی برخوردار است. شاخص ایمنی که برای زنان بسیار مهم است برای مردان درجه متوسط دارد و نیز شاخص عملکرد که برای مردان نسبتاً مهم است، برای زنان نامطلوب‌ترین شاخص است. بالعکس شاخص زیبایی که برای زنان در حد متوسط ارزیابی شده برای مردان نامطلوب‌ترین شاخص است.

جدول 6- آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مطلوبیت شاخص‌ها به تفکیک مردان و زنان

Tab. 6- Friedman's test to rank the desirability of indicators separately for men and women

شاخص‌های مربوط به...	مردان		زنان	
	میانگین رتبه	رتبه	میانگین رتبه	رتبه
عملکرد	6.58	4	3.65	10
مشارکت	4.52	8	4.32	9
آسایش فیزیکی	3.62	9	6.25	4
آسایش روانی	5.04	6	5.85	5
زیبایی	2.98	10	5.41	6
ایمنی	5.62	5	9.89	1
دسترسی	9.45	1	8.75	2
هویت	8.65	2	7.62	3
آگاهی	7.71	3	4.74	8
امکانات	4.85	7	5.08	7

شاخص آگاهی هم که برای مردان مهم بود، برای زنان اهمیت چندانی نداشته است. در نهایت می‌توان گفت که در صورت گرفتن میانه از میانگین رتبه مردان و

Anari, F., Eghbali, N., & Moayedfar, R. (2019). Evaluation of the effect of the structure of the communication network of the eastern part of Tehran's strategic plan on urban resilience. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 12 (1), 595-617. [in Persian]. <https://jorar.ir/article-1-660-en.pdf>

Brambila, Roberto & Gianni Longo (1977): For Pedestrians Only: Planning and Management Of Traffic Free Zones, New York, Whitney Library Of Design. <https://catalogue.nla.gov.au/catalog/660609>

Didehban, M. , Sardarmoori, S. , Ansarian, P. and Zadehmoorad, P. (2020). Investigating the Evaluative Mental Image of Ahvaz Citizens Along Karun River (Case Study: The Enclosure Between White Bridge and Nature Bridge). *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, 11(2), 77-92. doi: 10.30475/isau.2020.145165.1061

Echenique, Marcial; Crowther, David and Lindsay, Waltan. (1972), a structural comparison of three generation new towns in: urban space and structure, martin c & march C, Cambridge university. press, G.B. <https://www.cambridge.org/us/universitypress/subjects/arts-theatre-culture/architecture/urban-space-and-structures?format=PB&isbn=9780521099349>

Esmacili Sangari, H. (2014). Rahkarha-ye Ehyaye Baf'tha-ye Tarikhi be Mesabeh-ye Hoviatt-e Vajed-e Arzesh-e Shahri (Mowred-Pazhoohee: Mahvar-e Tarikhi-ye Tarbiat-e Tabriz). *Faslnameh-ye Elmi-Pazhooreshi-ye Modiriyat-e Shahri*, Doreh 13 (37): 35-5. [in Persian]. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111764_71d07196cfb4c64adaac433e11919297.pdf

Etemad, G. (2012). Lecture titled "Gender and Public Space," Women's Studies Group, Iranian Sociological Association, Tehran. [in Persian]. Doi: 10.22124/upk.2019.11840.1148

Farajzadeh, M., Valizadeh, R., Babaei Aghdam, F., Panahi, A., & Azar, A. (2021). "Shenasayi Anasor-e Sazandeh-ye Piadehrahha-ye Shahri Mobtani bar Edrakat-e Hessi-ye Shahravandan (Motale'eh-ye Mowredi: Piadehrah-e Tarbiat va Vali-e Asr, Tabriz). [in Persian]. https://journals.iau.ir/article_680420.html

مردان به دسترسی، هویت و آگاهی توجه دارند، زنان ایمنی، دسترسی و هویت را اولویت می‌دهند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که معیارهای دسترسی (با میانگین امتیاز 9.1 برای هر دو جنس)، هویت (با میانگین امتیاز 8.135) و ایمنی (با میانگین امتیاز 7.755) به ترتیب از نظر مردان و زنان از سایر معیارها مهم‌تر هستند. در حقیقت، مطلوبیت فضا به عنوان تابعی از فضای شهری در نظر گرفته می‌شود، چرا که در مطلوبیت فضا، مفاهیم دسترسی و هویت به عنوان موضوعات کلیدی مطرح می‌شود. به این ترتیب، در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، لازم است که توجه بیشتری به این تفاوت‌ها شود تا فضایی مناسب برای هر دو گروه فراهم شود. ایجاد پیاده‌راه‌هایی که پاسخگوی نیازهای هر دو جنس باشد و حس امنیت و راحتی را برای زنان و همچنین فضایی برای تعاملات اجتماعی را برای مردان به ارمغان آورد، می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی در شهرها کمک کند.

در نهایت، شناخت این تفاوت‌ها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها می‌تواند به بهینه‌سازی فضاهای عمومی و ایجاد محیط‌های شهری مناسب برای همه شهروندان منجر شود.

پی‌نوشت

¹ Shirley Ardener

² Daphne Spain

³ Doreen Massey

⁴ Rosalyn Deutsche

References

Abdollahi, M., Ghasemzadeh, B., & Rahbaripour, K. (2013). The Impact of Historical Building Facades on Citizens' Mental Image of Tabriz City (Case Study: Tarbiat Historical Street). **Iranian-Islamic Urban Studies*, -(11), 71-65. [in Persian]. SID. <https://sid.ir/paper/480621/fa>

Alexe, L (2013). Culture and Urban Regeneration: The Role of Cultural Investment for Community Development and Organization of Urban Space", *Tourism and Economic Development*. <https://www.wseas.us/e-library/conferences/2011/Drobeta/TED/TED-65.pdf>



Environmental Factors Influencing Older Adults' Walking for Transportation: A Study Using Walk-along Interviews. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physicalactivity*, 1-11. <https://ijbnpa.biomedcentral.com/articles>

Lang, J. (2019). *Afarinash-e Nazariye-ye Me'mari, Naghsh-e Olum-e Raftari dar Tarahi-ye Mohit*. Translated by Alireza Einifar. Nashr-e Daneshgah-e Tehran. <https://www.gisoom.com/book/11200022>

Lynch, K. (1976). *The Image of the City*. Translated by Manouchehr Mozayani. Tehran: National University Publications. <https://www.gisoom.com/book/11533986>

Ma'roufi, S., & Bayazidi, Gh. (2020). Tabyin va Tahlil-e Paydari-ye Faza-ha-ye Jam'i va Sanjesh-e Avamel-e Mo'asser bar An (Nemouneh-ye Mowredi: Park-e Khanevadeh-ye Shahr-e Mahabad). *Amayesh-e Mohit*, 51 (13): 203-230. https://journals.iau.ir/article_680320.html

Massey, D. (2005). *For Space*. London: Sage. <https://uk.sagepub.com/en-gb/eur/for-space/book227109>

Massey, Doreen. (1994). *Space, Place, and Gender*. Oxford, UK: Blackwell. https://www.routledge.com/Gender-Space-Architecture-An-Interdisciplinary-Introduction/Borden-Penner-Rendell/p/book/9780415172530?srsId=AfmBOor-X0TFdhnBqpOhKMtxI_Ld3SWUlx0eGfK9zJdoOjQVCLg03iJ-

Nag, D., Goswami, A. K., Gupta, A., & Sen, J. (2019). Assessing urban sidewalk networks based on three constructs: a synthesis of pedestrian level of service literature. *Transport Reviews*. Doi:10.1080/01441647.2019.1703841

Pakzad, J. (2007). *Mabani-ye Nazari va Farayand-e Tarahi-ye Shahri*. Tehran: Entesharat-e Shahidi, Chap-e Avval. [in Persian]. <https://www.gisoom.com/book/1377639>

Peake, L. (2009), "Gender in the City", In Rob Kitchin and Nigel Thrift (Eds), the *International Encyclopedia of Human Geography*, Amsterdam: Elsevier. Doi:10.1080/01441647.2019.1703841

Fainstein, S. and L. Servon, eds. (2006), *Gender and Planning: A Reader*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press. <https://www.rutgersuniversitypress.org/gender-and-planning/9780813534992/>

Goodalewisalsks, F. (2015). *The Mental Landscape of the City: Concepts of Cultural Representation and Policy Applications*. Translated by Manouchehr Akbari. Tehran: Tisa Publications. <https://tahanpub.ir/product/>

Gholami, M., Saberi, H., & Toghyani, Sh. (2023). Tahlil-e Fazayi-ye Matloub-e Fazay-e Shahri: Motale'eh-ye Mowredi Manategh-e Kalan-Shahr-e Ahvaz. *Faslnameh-ye Amayesh-e Mohit*, No. 61. [in Persian]. https://journals.iau.ir/article_706032.html

Ghorbani, R.; Jam Kasra, M. (2010). Jonbesh-e Piadeh-Gostari, Rooykardi Nov dar Ehya-ye Marakez-e Shahri; Mowred-e Motale'eh Piadehrah-e Tarbiat-e Tabriz. *Motale'at va Pazhoohesh-ha-ye Shahri va Mantaghe'i*, Sal 2, Shomareh 6, 58-70. [in Persian]. https://urs.ui.ac.ir/article_19966.html?lang=fa

Gehl, J. (1987). *Life between Buildings*. Van Nostrand Reinhold press. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1033415>

Habermas, J., (1989), *the Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*, Cambridge: Polity Press. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2023168>

Habermas, J., (1992), "Further Reflections on the Public Sphere", in: Craig Calhoun (ed.), *Habermas and the Public Sphere*, Cambridge, MA: MIT Press. <https://journals.openedition.org/jihi/991>

Halprin, L. (1972). *Cities*. The MIT Press, Massachusetts. <https://www.amazon.com/Cities-Revised-Lawrence-Halprin/dp/0262580217>

Hewitt, A (2011). Privatizing the public: Three rhetoric's of art's public good in 'Third Way' cultural policy", *Art & the Public Sphere*, vol. 1, doi:10.1386/aps.1.1.19_1

Jelle, V.C., Veerle, V.H., Dorien, S., Riet, D., Clarys, P., Liesbet, G., Nasar, J., Salmon, J., Bourdeaudhuij, I., & Deforche, B. (2012).



Sandercock, L. and A. Forsyth. (1992), "A Gender Agenda: New Directions for Planning Theory. Journal of the American Planning Association 58(1):49-60. Doi:10.1080/01944369208975534

Spain, Daphne. (1992), Gendered Spaces. Chapel Hill: University of North Carolina Press. https://books.google.com/books/about/Gendered_Spaces.html?id=k_yKFfFmNsC

Zhu, W., Wang, J., Qin, B. 2021. Quantity or quality? Exploring the association between public open space and mental health in urban China. Landscape and Urban Planning, 213. <https://www.sciencedirect.com>

Rendell, J., Penner, B., & Borden, I. (2000). Gender space architecture. An Interdisciplinary Introduction, New York/NY. <https://doi.org/10.4324/9780203449127>

Safamanesh, K, Rashtchian, Y, Monadizadeh, B. (1997). Sakhtar-e Kalbodi-ye Shahr-e Tabriz va Tahavvolat-e Akhir-e An dar Do Saddeh-ye Akhir. Goftogoo, 18, 33-53. <https://ensani.ir/fa/article/215085>

Sandercock, L. and A. Forsyth. (1992), "Feminist Theory and Planning Theory: The Epistemological Linkages," Planning Theory Newsletter 7/8:45-49. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/mono/10.4324/9781315246543-2>